قادر آشنا دبیر شورای فرهنگ عمومی در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: احترام به قانون در رفتارهای روزمره‌ای مثل رانندگی یا تعاملات شهری قبل از آنکه به جریمه و پلیس نیاز داشته باشد، نیازمند «سرمایه اجتماعی» و «فرهنگ شهروندی» است. او معتقد است در فضاهای عمومی تخلف می‌کنیم چون گوجه و خیابان را «فلمرو هیچ‌کس» می‌دانیم، یعنی «امور عمومی» به شر و شور زیر است.

تخلف می‌کنیم چون کوچه و خیابان را «قلمرو هیچ‌کس» می‌دانیم!

یکی از تناقض‌های رفتاری ما این است که معمولا از بی‌قانونی دیگران گلایه می‌کنیم، اما گاهی خودمان در رانندگی، رعایت حق تقدم، پارک دوبل یا حتی ایستادن در صف نان و بانک حقوق دیگران را نادیده می‌گیریم. چرا قانون‌مداری را برای دیگران ضروری می‌دانیم، اما برای خودمان استثنا قائل می‌شویم؟ این مسئله صرفا یک ضعف فرهنگی است یا ریشه‌های اجتماعی و ساختاری عمیق‌تری دارد؟

این تناقض رفتاری بیش از آنکه یک ویژگی ذاتی فردی باشد نشان‌دهنده نوعی «گسست از آگاهی جمعی» است. در فرهنگ ما مرز میان «فضای خصوصی» و «فضای عمومی» جدا انعطاف شده است، به گونه‌ای که بسیاری از شهروندان فضای عمومی (کوچه و خیابان، صف، اداره) را «فلمرو هیچ‌کس» می‌دانند که رعایت قانون در آن به یک وظیفه اخلاقی بلکه یک محدودیت غیرضروری است. وقتی فرد از «ما» به «من» تغییر جهت می‌دهد برای تأمین منافع کوتاه‌مدتش خود را از چارچوب اخلاقی کلان مستثنی می‌کند. این ناشی از ضعیف شدن «هویت شهروندی» است؛ هویتی که در آن رعایت حق دیگران در واقع معنای آن را پیدا می‌کند و نه در تضاد با آن. به‌عنوان مسئولیتی در قبال حقوق و امنیت دیگران می‌پذیرد. در دوره شهر مدیریت شهری تلاش کرده‌ایم با عبور از نظارت‌های هوشمند به کندی روال‌های ترافیکی و اداری به گونه‌ای است که قانون گریزها روند از قانون‌مداران به نتیجه می‌رسند این فرهنگ به تدریج در تار و پود جامعه نفوذ می‌کند.

وقتی اجرای قانون در موقعیت‌های مختلف یکسان نباشد یا شهروندان احساس کنند برخی افراد از استثناها برخوردارند چه تأثیری بر تمایل عمومی به قانون‌مداری می‌گذارد؟

از منظر فرهنگی قانون‌مداری در جامعه صرفا یک رویه اداری یا ترس از جریمه نیست، بلکه هژار «آدابی نهادین» و میثاقی جمعی است که مبنای مردم معنایی یافته. وقتی شهروندان احساس کنند دایره قانون برای برخی که تهیه به ضرر آنها نیست، بلکه ضامن امنیت و حقوق خودشان نیز است، به آن احترام بیشتری می‌گذارند.

وقتی سبقت غیرمجاز، عبور از چراغ قرمز، رعایت‌نکردن حق تقدم یا جلوزدن از دیگران در صف در زندگی روزمره تکرار می‌شود آیا با رفتارهای پراکنده و فردی مواجهیم یا با یک هنجار نادرست که به‌تدریج در فرهنگ عمومی جمعی به شدت افت می‌کند و قانون گریزی را راحی برای «برابری با مخلفان بالادست» می‌بینند.

رانندگی را می‌توان یکی از ملموس‌ترین عرصه‌های مواجهه روزانه ما با حقوق دیگران دانست، جایی که عجله، خودخواهی، بی‌حوصلگی و نادیده گرفتن حق تقدم به‌وضوح دیده می‌شود. آیا می‌توان گفت رفتار ترافیکی شهروندان تصویری از میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی و احترام متقابل در جامعه ارائه می‌دهد؟

قطعاً رانندگی در دنیای امروز یک جابه‌جایی صرف نیست، بلکه یکی از گسترده‌ترین و ملموس‌ترین میدان‌های حضور ما در «فضای عمومی» است. خودرو در فرهنگ ما به نوعی گسترش «من شخصی» تبدیل شده است. بنابراین نحوه رخورد ما با دیگران پشت فرمان دقیقاً بازتاب‌دهنده نوع نگرش ما به «دیگری» در جامعه است. وقتی حق تقدم دیگری را بی‌اعتنا می‌خوصلگی نادیده می‌گیریم در واقع داریم به او پیام می‌دهیم که زمان و آرامش او در مقایسه با عجله شخصی من هیچ اهمیتی ندارد. این رفتار اینهای نمادین از وضعیت «مسئولیت‌پذیری اجتماعی» ما است. چراکه در ترافیک برخلاف بسیاری از موقعیت‌های دیگر ما با حقوق مادی و فیزیکی افراد ناشناس به‌صورت زنده درگیریم و این «برسمیت نشناختن دیگری» نشان‌دهنده شکافی عمیق در فرهنگ احترام متقابل ماست. از منظر فرهنگی این «عجله و بی‌حوصلگی مزمن» یعنی از آنکه ریشه در شلوغی خیابان‌ها داشته باشد ناشی از کمرنگ شدن «فرهنگ هم‌بستگی» است. رانندگی بر خلاف آنکه علامتی از این است که ما در دنیا خود همه‌خاطمان در خیابان را به جای «شریکان فضای عمومی» به عنوان «رقیب» می‌بینیم. اصلاح این وضعیت صرفا با دوربین و جریمه ممکن نیست، بلکه نیازمند بازسازی «اخلاق شهروندی» است. ما باید در برنامه‌های فرهنگی‌مان رانندگی را از یک فعالیت مکانیکی صرف به یک «تمرین مدارا» تبدیل کنیم؛ تمرینی که در آن رعایت حق تقدم به یک اجبار قانونی، بلکه یک «انتخاب آگاهانه برای حفظ کرامت انسانی دیگری» تعریف شود. وقتی فرد باور کند که «من» تنها زمانی در خیابان امنیت دارم که «حق» نیز رعایت شود آنگاه رانندگی از میدان جنگ به عرصه‌ای برای تمرین مدنیت تبدیل خواهد شد.

شورای فرهنگ عمومی برای تبدیل قانون‌مداری به یک توصیه اخلاقی به یک رفتار پایدار اجتماعی چه برنامه‌ای می‌تواند داشته باشد؟

شورای فرهنگ عمومی در ابتدا دوره از فعالیت خود به‌جای پراکنده‌کاری تمرکز خود را بر سه مسئله کلیدی و بنیادی «ارتقای نوجوانان»، «ارتقای سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی» و «ارتقای فرهنگ شهروندی» متمرکز کرده است. این سه محور به‌طور مستقیم یا به‌واسطه قانون‌مداری و رعایت حقوق دیگران در ارتباط هستند، چراکه احترام به قانون در رفتارهای روزمره‌ای مثل رانندگی یا تعاملات شهری قبل از آنکه به جریمه و پلیس نیاز داشته باشد نیازمند «سرمایه اجتماعی» (اعتماد مردم به یکدیگر و قانون) و «فرهنگ شهروندی» (باور به اینکه رعایت حق دیگران به نفع خود ماست) است. در واقع ما معتقدیم قانون‌مداری تجلی بیرونی این سه رکن فکری در زندگی روزمره شهروندان است. برای هریک از این محورها دستورالعمل‌ها و برنامه‌های اجرایی مشخص و قابل ارزیابی تعریف شده است، اما نکته حائز اهمیت این است که اجرای این برنامه‌ها دیگر به شیوه سنتی و «از بالا به پایین» نیست. ما در این برنامه‌ها به دنبال فعالسازی مشارکت همه‌جانبه مردم در چهار سطح «سیاستگذاری، اجرا، مطالبه‌گری و نظارت» هستیم. هدف نهایی ما این است که قانون‌مداری از یک «توصیه اخلاقی» فاصله بگیرد و به یک «هویت افتخارآمیز شهروندی» تبدیل شود.

چرا بسیاری از برنامه‌های فرهنگ‌سازی اثرگذاری لازم را ندارند و چگونه می‌توان آنها را برای نسل جوان جذاب‌تر کرد؟

بسیاری از برنامه‌های فرهنگ‌سازی به این دلیل با شکست یا کاهش اثرگذاری مواجه می‌شوند که به‌جای «گفت‌وگو» «خطابه» ارائه کرده‌اند و به‌جای درک واقعیات هی زیسته و زبان نسل جدید به‌دنبال تحمیل الگوهای ذهنی پیش‌فرض بوده‌اند. نگاه دستوری و «از بالا به پایین» به فرهنگ باعث شده است که پیام‌های فرهنگی با گارد دفاعی مخاطب مواجه شوند، چراکه نسل جوان حاملات پیام را ترجیح می‌دهد و وقتی شکاف میان آرمان‌های ترسیم‌شده در برنامه‌ها و تجربه‌های روزمره‌شان را زیاد می‌بیند آنها را به‌عنوان یک «فیگاه فرهنگی» می‌بی‌نند. در این میان یک واقعیت ساختاری مهم نیز وجود دارد: ما در کشور در مرحله سیاستگذاری و تدوین اسناد خوب عمل می‌کنیم، اما در مرحله «اجرا» با شکافی جدی مواجهیم. علت این نقیصه این است که دایره مشارکت برای پیشگیری از تصادفات، نمی‌توان فقط در جبهه و برخورد پلیس تکیه کرد. به همین دلیل ما تلاش داریم در کاهش تصادفات و تقویت مسئولیت‌پذیری شهروندان می‌گوید و تأکید داریم رعایت قانون باید به بخشی از هویت جمعی ما تبدیل شود. در ادامه مصاحبه گفت‌وگو با وی را می‌خوانید.

■■■

برای کاهش تصادفات، آیا بر جریمه قانونی و جریمه رانندگان کافی است؟ چه اقداماتی باید در کنار آن انجام شود؟

برای پیشگیری از تصادفات، نمی‌توان فقط به جریمه و برخورد پلیس تکیه کرد. به همین دلیل ما تلاش داریم در کاهش تصادفات و تقویت مسئولیت‌پذیری شهروندان می‌گوید و تأکید داریم رعایت قانون باید به بخشی از هویت جمعی ما تبدیل شود. در ادامه مصاحبه گفت‌وگو با وی را می‌خوانید.

■■■

برای کاهش تصادفات، آیا بر جریمه قانونی و جریمه رانندگان کافی است؟ چه اقداماتی باید در کنار آن انجام شود؟

برای پیشگیری از تصادفات، نمی‌توان فقط به جریمه و برخورد پلیس تکیه کرد. به همین دلیل ما تلاش داریم در کاهش تصادفات و تقویت مسئولیت‌پذیری شهروندان می‌گوید و تأکید داریم رعایت قانون باید به بخشی از هویت جمعی ما تبدیل شود.

بررسی رفتار ترافیکی شهروندان به مثابه نمونه‌ای شاخص از قانون‌مداری به مناسبت ۱۴آبان روز فرهنگ عمومی

ایست فرهنگ عمومی پشت چراغ قرمز!

■ حسین گل‌محمدی

چراغ راهنمایی در تقاطع‌های شلوغ شهرمان قرمز می‌شود. این تغییر رنگ ساده‌ترین و جهانی‌ترین زبان قانون است. زبانی که هیچ مرز، زبان و نژادی نمی‌شناسد اما کافی است چند دقیقه‌ای به این چهارراه خیره شویم تا ببینیم پشت همین چراغ قرمز، چه ماجراهای خاموشی از فرهنگ عمومی در جریان است. چهار دهم آبان ماه «روز فرهنگ عمومی» می‌تواند روزی برای بازنگری سنتون‌های نامرئی زندگی جمعی ما باشد. در این میان، اگر بخواهیم عینی‌ترین، ملموس‌ترین و روزمره‌ترین شاخص قانون‌مداری را پیدا کنیم، هیچ جا به اندازه پشت قرمان خودروها و در پیچ‌وخم و فشارهای ترافیکی نمی‌توانیم سراغ آن را بگیریم. اینجاست که می‌توانیم از یک ایهام زیبا و تأمل برانگیز بهره ببریم: «پشت قرمز عمومی پشت چراغ قرمز!» این عبارت دو معنای متضاد اما هم‌راستا را به ذهن متبادر می‌کند. از یک سو، تصویری نگران‌کننده از «توقف در چراغ قرمز» فرهنگ عمومی است؛ زمانی که قوانین راه از سر باور درونی، بلکه تنها به شرط حضور پلیس یا ترس از جریمه‌های سنگین رعایت می‌کنیم و فرهنگ قانون گرایی ما در تقاطع‌های زندگی جریحه‌دار می‌شود. از سوی دیگر، نقطه مقابل و کارکرد نجات‌بخش آن است: جایی که فرهنگ عمومی درست مانند یک مانع بازدارنده و قدرتمند جلوی قانون‌شکنی‌ها، بی‌اخلاقی‌ها و تضییع حقوق دیگران می‌ایستد. بازاندوکس عجیب «قانون فقط برای دیگران است» یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های ما در زیست جمعی و یک خطای شناختی پنهان است. ما اخوداً گاه فکر می‌کنیم قانون برای دیگران نوشته شده است تا نظم و قرار بماند، اما خودمان مجاریم هر جا که کارمان گیر کرد، استثنا قائل شویم! راننده‌ای که خط کشی عابر پیاده را نسخیر می‌کند، چراغ زرد را دعوتنامه‌ای برای سرعت بیشتر می‌داند، یا حق تقدم دیگران را در یک ترافیک فشرده نادیده می‌گیرد، در واقع دارد به زبان بی‌زبانی می‌گوید: «منافع من از جمع مقدم‌تر است». ازدحام ترافیکی، آیینه‌ای است از ازدحام منافع فردی در فضای عمومی بازتاب می‌دهد. پشت قرمز، مانک‌های اجتماعی کنار می‌روند، میزان صبوری، همدلی، خشم‌های فروخورده، میزان احترام به حقوق شهروندی و حتی نوع کلام ما به آسان‌های پیرامونمان در چگونگی رانندگی‌مان متجلی می‌شود. وقتی حق تقدم را به رانندگی دیگری می‌دهیم، یا در ترافیک راه را برای عبور اورژانس باز می‌کنیم، در حقیقت داریم به یک اصل بنیادی زندگی احترام عمل می‌کنیم. «دیگری هم وجود دارد و حق او محترم است.» اما چرا قانون گریزی در برخی لایه‌های جامعه به یک عادت یا حتی ترفندی برای زیرکی تبدیل شده است؟ پاسخ در بازتعریف رشته‌های مفهوم قانون به نه عنوان یک «دیوار بازدارنده و امرانه» بلکه به عنوان یک پیمان اجتماعی برای آرامش جمعی» است. تا زمانی که قانون‌مداری در جامعه ما، به «ترس از مجازات و جریمه» گره خورده باشد، فرهنگ عمومی همچنان پشت چراغ‌های قرمز تا آگاهی متوقف خواهد ماند. پرورش این نگاه، بیش از هر نهاد دیگری از درون «خانواده» آغاز می‌شود. کودکی که روی صندلی عقب خودرو نشسته است، بیش از آنکه متأثر از درس‌های مدرسه و محتوای کتاب‌ها باشد، به چگونگی مواجهه پدر یا مادرش با چراغ قرمز، خودمان چقدر به حق دیگران احترام می‌گذاریم، دوبله تا بستن راه عابران پیاده و... نشان می‌دهد رعایت قانون فقط به حضور پلیس و ترس از جریمه بستگی ندارد. به گفته سرهنگ احسان مؤمنی، معاون عملیات پلیس راهور تهران بزرگ، تصادفات منجر به فوت در تهران در شش ماهه نخست امسال ۱۶درصد کاهش یافته و تنها ۲درصد از رانندگان در این مدت جریمه شده‌اند. وی با اشاره به این آمار، کاهش به مناسبت رویز فرهنگ عمومی، از نقش آموزش، فرهنگ‌سازی، ایمن‌سازی معابر و نظارت پلیس در کاهش تصادفات و تقویت مسئولیت‌پذیری شهروندان می‌گوید و تأکید دارد: رعایت قانون باید به بخشی از هویت جمعی تبدیل شود.



■■■

همراه کردن اقتدار قانونی پلیس با ارتباطات انسانی و آموزش مستقیم

از سرهنگ سوران جاندژاد می‌پرسیم چه مشکلی مقابل مدارس یافت شد پیشنهاد استقرار پلیس بطرح شود؟ وی در پاسخ می‌گوید: پلیس راهور تهران بزرگ هر سال پیش از آغاز پایپز و شروع سال تحصیلی، در جلسات تاق فکر به دنبال پایدرو یابی و تبادل نظر با مدیران مدارس منطقی هستیم. در جلسات ازدحام ترافیک و روان‌سازی آن است. طرح «همراه آفرینان راهور» نیز ایده‌های بود که در همین جلسات مطرح شد. هدف این طرح، کاهش ترافیک مقابل دبستان‌ها و افزایش ایمنی رفت‌وآمد دانش‌آموزان است. با شروع مهرماه، حضور مشارکت آنان در تولید و انتشار پیام‌ها فراهم آید. همکاری با تولیدکنندگان محتوا و چهره‌های اثرگذار نیز می‌تواند دوباله، تجمع خودروها، پیاده‌رو سازگار دانش‌آموزان در دقیق، مسئولانه و متناسب با اهداف آموزشی باشد. هدف نهایی ما این است که فضای مجازی صرفا محل انتشار پیام‌های رسمی نباشد بلکه به بستری برای گفت‌وگو، آگوسازی مدنی و تقویت هنجارهای مثبت تبدیل شود؛ پلیس متناسب با جامعه هدف طرح، یعنی دانش‌آموزان دختر دبستانی، انجام شده است. ساعت ۱۷:۳۰ تا ۱۸:۳۰ است. از شلوغ‌ترین زمان‌های مدرسه‌ای است که این



وقتی اعتماد میان اعضای جامعه آسیب ببیند افراد به‌جای تکیه بر هنجارهای مشترک به «اخلاق شخصی» پناه می‌برند و قوانین را مزاحم زندگی خود می‌بینند. ریشه ساختاری این مسئله فقدان آموزش‌های مدنی عمیق و نبود روایت‌های فرهنگی قوی است که اهمیت «خیر عمومی» را بر «منفعت شخصی» برتری دهد

راهنمایی کانون نوجوانان محلات شهر تهران بر گرانی پنج نوجوانان و